



Quranic Analysis of Appointed Imamate (Imāmah) from the Perspective of the Two Sects (Shi'a and Sunni) with Emphasis on Verses 2:124, 3:34, and 28:68

Sara Mohammadzadeh ^{1✉} | Naser Forouhi ² | Abbas Abbaszadeh ³

1. Corresponding Author, PhD Student in Philosophy and Islamic Theology, Faculty of Theology, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: saba.fk.70.tkd.gym@gmail.com
2. Associate Professor, Department of Philosophy and Islamic Theology, Faculty of Theology, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: forouhi@tabrizu.ac.ir
3. Associate Professor, Department of Philosophy and Islamic Theology, Faculty of Theology, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: aabbaszadeh@tabrizu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Received: 17 December 2024

Revised: 14 June 2025

Accepted: 15 June 2025

Available Online: 17 June 2025

Keywords:

The Two Sects (Shi'a and Sunni), Appointed Imamate, Imamate (Imāmah), Progeny (Dhurriyyah), Divine Establishment (Ja'l), Divine Will (Ikhtiyar).



Abstract

The issue of Imamate (imāmah) is one of the fundamental discussions in Islamic theology and has consistently been the primary reason for the divergence of beliefs between two major Islamic schools. Examining the Quranic evidence in elucidating the status of the Imamate as a pivotal factor in the continuity of Islamic teachings and guidance can be highly effective. This research, employing a descriptive-analytical method and based on library resources, comparatively investigates the Quranic proofs of appointed Imamate according to verses 2:124 (Surah al-Baqarah), 3:34 (of Āl-Imrān), and 28:68 (Surah al-Qaṣaṣ), and compares the viewpoints of the two sects. The findings indicate that, from the Shia (Imami) perspective, these three verses complement each other in affirming appointed Imamate, asserting that the appointment of Imams, like that of prophets, is based on God's absolute authority, and its connection with the progeny (dhurriyyah) of the Infallibles necessitates the existence of an infallible Imam to preserve religious teachings and guide the Muslim community. In contrast to the Sunni view, which considers Imamate as a selectable and unconnected matter to the concept of finality of prophethood (khātamiyyah), this study, based on the aforementioned verses, presents the appointment of Imamate as a manifestation of finality and a mechanism for the continuation of prophetic mission. A thorough analysis of the concepts of "ja'l" (divine establishment), "dhurriyyah" (progeny), and "ikhtiyār" (divine will) in these verses and their semantic interplay reveals that Imamate is not a matter of human choice but, like prophecy, is an appointment by God. These findings align with Imami theological arguments affirming the appointed Imamate of the Infallible Imams and its role in preserving khātamiyyah, presenting a more coherent interpretation. The innovation of this research lies in presenting a novel reading of the coherence and interrelation among these three verses concerning the proof of appointed Imamate and its comparison with Sunni perspectives.

Cite this article: Mohammadzadeh, S.; Forouhi, N.; Abbaszadeh, A. (2025). Quranic Analysis of Appointed Imamate (Imāmah) from the Perspective of the Two Sects (Shi'a and Sunni) with Emphasis on Verses 2:124, 3:34, and 28:68. *Quranic Doctrines*, 22(41), 97-122. <https://doi.org/10.30513/qd.2025.6596.2476>



© The Author(s). Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.



تحلیل قرآنی امامت انتصابی از دیدگاه فریقین با تأکید بر آیات ۱۲۴ بقره، ۳۴ آل عمران و ۶۸ قصص

✉ سارا محمدزاده^۱ | ناصر فروهی^۲ | عباس عباس زاده^۳

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری فلسفه و کلام، گروه فلسفه و کلام، دانشکده الهیات، دانشگاه تبریز. تبریز. ایران. رایانامه: saba.fk.70.tkd.gym@gmail.com

۲. دانشیار، گروه فلسفه و کلام، دانشکده الهیات، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: forouhi@tabrizu.ac.ir

۳. دانشیار، گروه فلسفه و کلام، دانشکده الهیات، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: aabasazadeh@tabrizu.ac.ir

چکیده

مسئله امامت از مباحث اساسی در کلام اسلامی بوده و همواره علت اصلی بروز اختلاف، در عقاید فریقین است. بررسی ادله قرآنی، در تبیین جایگاه مقام امامت، به عنوان عاملی مهم در استمرار تعالیم و هدایت اسلامی می تواند مؤثر باشد. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای، ادله قرآنی امامت انتصابی را بر اساس آیات ۱۲۴ بقره، ۳۴ آل عمران و ۶۸ قصص مورد بررسی تطبیقی قرار داده و دیدگاه‌های فریقین را مقایسه می کند. یافته‌ها نشان می دهد که از نظر امامیه، سه آیه فوق در اثبات امامت انتصابی، مکمل یکدیگرند و جعل امامت، همچون جعل نبوت، بر اساس اختیار مطلق الهی بوده و رابطه آن با ذریه معصوم، ضرورت وجود امام معصوم را در جهت حفظ آموزه‌های دینی و هدایت امت اسلامی دوچندان می سازد. برخلاف دیدگاه اهل سنت که امامت را امری انتخابی و بی ارتباط با خاتمیت تلقی می کند، این پژوهش بر اساس سه آیه فوق، انتصاب امامت را تبیین کننده خاتمیت و عامل تداوم رسالت پیامبری معرفی می کند. بررسی دقیق مفاهیم «جعل»، «ذریه» و «اختیار الهی» در سه آیه فوق و ارتباط معنایی بین آن‌ها، نشان دهنده این است که امامت با انتخاب بشری نبوده، بلکه همچون نبوت، جعلی از سوی خداوند است. این نتایج در راستای ادله امامیه مبنی بر اثبات انتصاب امامت ائمه معصوم و جایگاه آن در حفظ خاتمیت، مقبول تر به نظر می رسد. نوآوری این پژوهش در ارائه خوانشی جدید از پیوستگی و همبستگی این سه آیه در ارتباط با اثبات امامت انتصابی و مقایسه آن با دیدگاه‌های اهل سنت است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۹

تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۳/۲۷

کلیدواژه‌ها

فریقین، امامت انتصابی، امامت، ذریه، جعل، اختیار.



استناد: محمدزاده، سارا؛ فروهی، ناصر؛ عباس زاده عباس. (۱۴۰۴). تحلیل قرآنی امامت انتصابی از دیدگاه فریقین با تأکید بر آیات ۱۲۴ بقره، ۳۴ آل عمران، ۶۸ قصص. آموزه‌های قرآنی، ۲۲ (۴۱)، ۹۷-۱۲۲.

<https://doi.org/10.30513/qd.2025.6596.2476>



مقدمه

مسئله امامت و نحوه تعیین و انتخاب آن، از کلیدی‌ترین مباحث در کلام اسلامی و همواره مورد اختلاف فریقین بوده است و زمینه لازم جهت تحقیقات جدید با نتایج تازه و نوآوری‌های جدید را دارد. از دیدگاه شیعه، امامت ادامه راه نبوت و عامل استمرار هدایت الهی است و همین امر باعث شده تا ایشان امامت را «یکی از اصول دین و یک اصل کلامی» به حساب آورند (ابن بابویه، ۱۴۱۴، ص ۹۳). در مقابل، اهل سنت امامت را صرفاً نهادی سیاسی و اجتماعی می‌دانند که به انتخاب مردم وابسته است (ابن تیمیه، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۵). بررسی ادله قرآنی می‌تواند نقش مهمی در داوری این اختلافات داشته و مبنای روشنی برای تعیین امامت قرآنی باشد.

هدف از این پژوهش، تحلیل دلالت‌های قرآنی بر انتصابی بودن امامت و بررسی ارتباط مفاهیم «جعل»، «ذریه» و «اختیار الهی» در آیات ۱۲۴ بقره، ۳۴ آل عمران و ۶۸ قصص است. ضرورت تحقیق در این مقاله (ارتباط قراین قرآنی در انتصاب امامت) با پیش فرض باور امامیه به «عصمت و نص امامت» است. سؤال اصلی این پژوهش آن است که آیا از این آیات و ارتباط موجود بین آن‌ها می‌توان به انتصاب امامت و پیوستگی آن با خاتمیت نبوی و هدایت الهی استدلال کرد؟ این پژوهش روشی توصیفی-تحلیلی داشته و بر پایه منابع کتابخانه‌ای بوده که ابتدا دیدگاه امامیه را در آیات مذکور با استدلال‌های مرتبط بررسی کرده و سپس دیدگاه اهل سنت را مطرح و با دیدگاه شیعه مقایسه می‌کند. نهایتاً رابطه مفاهیم کلیدی این سه آیه با انتصاب امامت در نظام الهی بررسی می‌شود. ارتباط قراین کلیدی بین این سه آیه در باب امامت انتصابی در هیچ پژوهشی بررسی نشده است. تمرکز پژوهش حاضر بیشتر بر تفاسیر امامیه است و از آن جاکه در بسیاری از تفاسیر اهل سنت صریحاً به تفاوت میان نبی و امام و مفهوم «ذریه» و «تعلق اختیار و قدرت الهی در گزینش امام» در این آیات پرداخته نشده است، تفاسیر روشنی نیز از آن‌ها ارائه نگردیده است. لذا این امر یکی از محدودیت‌های پژوهش در نظر گرفته می‌شود.

پژوهش‌های متعددی به بررسی مسئله امامت و دلالت‌های قرآنی آن پرداخته‌اند، از جمله کردنژاد (۱۳۹۸) تفسیر تطبیقی آیه امامت در تفاسیر شیعه و اهل سنت را تحلیل کرده است. خوش‌منش (۱۳۹۳) به ارتباط امامت امام رضا علیه السلام با امامت ابراهیمی پرداخته و نجارزادگان (۱۳۹۵) معناشناسی واژه «امام» در آیه ۱۲۴ بقره را بررسی کرده است. سقاب گندم‌آبادی و



همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی معناشناختی جعل امامت با تکیه بر اصل اصالت تعبیرهای قرآنی» به واکاوی معنای «جعل امامت» پرداخته است. با این همه، پژوهشی مستقل که ارتباط بین آیات ۱۲۴ بقره، ۳۴ آل عمران و ۶۸ قصص را از منظر جعل الهی در تعیین امام بررسی کند، وجود نداشته است.

ساختار مقاله به این صورت است که ابتدا نویسنده به توضیح دلایل و نحوه استدلال مفسران امامیه در باب انتصاب امامت در آیات مربوط می پردازد. سپس در ذیل هر دلیل، نظریات تطبیقی اهل سنت گنجانده شده و در نهایت، نتیجه ای از آن ارزیابی ها بیان گردیده است.

۱. دلیل اول امامت انتصابی: متفاوت بودن مفهوم جعل امامت با مفهوم جعل نبوت در

آیه ۱۲۴ بقره

ابتدا دیدگاه امامیه بررسی می شود.

۱-۱. دیدگاه امامیه

استدلال به آیه ۱۲۴ بقره از ادله نقلی و از جمله «ادله مستحذثه» در اثبات امامت بوده و اخیراً مورد توجه متکلمان و مفسران شیعه قرار گرفته است (استادی، ۱۴۰۲). از نظر امامیه، مفهوم جعل نبوت و جعل امامت، بیان کننده دو مفهوم کاملاً جداگانه ای است. نجار (۱۳۸۱، ص ۴۳) الفاظ قرآن را استوار بر اصل «عدم ترادف» می داند. خداوند پیامبران را نبی و رسول معرفی کرده و جعل در امامت در ادامه جعل نبوت و جدا از آن قرار گرفته و امام بودن آن پیامبران در ادامه و البته خارج از دایره نبوتشان بوده است (نوبری، ۱۳۹۰) و شامل مواردی چون ریاست سیاسی و اجتماعی و اداره جامعه و «هدایت طریقی» است. از نظر جوادی آملی، خداوند پس از بیان ابتلای ابراهیم به کلمات و اتمام آن ها با «بیان شرط» فرمود: «من تو را امام مردم قرار می دهم». این سخن نشان دهنده پیوندی میان ابتلائات و کلمات با عصمت حاصل از آن ها و جعل امامت ابراهیم است که بعد از پیروزی بر ابتلائات و امتحانات الهی و براساس شایستگی های خود و غنی بودن از صفاتی چون «عصمت از هر گناه و علم و قدرت» و عبودیت، به ایشان تعلق گرفته و البته تنها خداوند، عالم به دارندگان آن صفات است. در آیه ۱۲۴ بقره^۱ اگر «اذ» ظرف برای «قال» باشد، پیوند مزبور آشکارتر

۱. «وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»؛ «و هنگامی که خدا ابراهیم را به اموری امتحان فرمود و او همه را به جای آورد، خدا به او گفت: من تو را به پیشوایی خلق برگزینم. ابراهیم عرض کرد: به فرزندان من چه؟ فرمود: (اگر شایسته باشند می دهم، زیرا) عهد من به مردم ستمکار نخواهد رسید».



می‌شود و عدم استفاده از حرف «فاء» نشان می‌دهد که این جعل یک موهبت الهی محض و جدای از نبوت است که پس از زمینه‌سازی‌های لازم با ابتلائات و کلمات به ابراهیم اعطا شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۶۸). همچنین، «لام» در «لنناس» بیانگر این است که جعل امامت از سوی خداوند، به سود و منفعت مردم است (دهقان، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۷۲). بحرانی می‌گوید: «طبق آیه ابتلاء، عصمت باعث جعل و انتصاب امامت، در وظیفه ولایت بر جامعه و انتقال آموزه‌های وحی است. امامان شیعه آخرین نسل از ذریه پیامبرند که دنباله‌رو و باقی‌مانده ذریه حضرت ابراهیم بوده و وظیفه هدایت و آموزش جامعه اسلامی را بر عهده دارند. خداوند عنوان پدر را بر ابراهیم اطلاق کرده و این عنوان بر حضرت محمد ﷺ و اهل بیت ایشان نیز اطلاق می‌شود» (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۰۷). مطهری می‌گوید:

” مسئله عصمت جداناپذیر از نص است، به طوری که از مسئله عصمت امام به نص و تنصیص می‌رسیم. لطف بدون عصمت بی‌معناست و تنها از جانب خداوند انتخاب می‌شود. بنابراین، اصل شورا در گزینش امام مردود است، چراکه چنین امر مهم و خطیری نمی‌تواند به عهده مردم باشد (مطهری، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۷۴۲-۷۴۴).

بنابراین اصلی‌ترین مضمون آیه ۱۲۴ بقره «ابتلای ابراهیم و گزینش و دریافت امامت است نه نبوت». مفسران امامیه این آیه را دلیل محکمی قرار می‌دهند بر این که «مقام امامت با نبوت فرق دارد» و لازمه لاینفک آن را «عصمت» تلقی کرده‌اند. خداوند با اراده خود کسی را به این مقام می‌رساند که مورد آزمایش قرار گیرد و شایستگی‌های لازم را کسب کند. «ادامه امامت در ذریه خاص با شرط ویژگی عصمت»، از ویژگی‌های ضروری انتصاب امام و از قرائین اصلی این آیه برای «استنباط امامت انتصابی» است.

۱-۲. دیدگاه اهل سنت

بغوی با اعتقاد به ترادف در واژگان قرآنی، مصداق اتم امامت قرآنی را مساوی و مساوق با مقام نبوت می‌گیرد (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۶۲). اهل تسنن مقام امامت را تنزل داده و آن را محدود به حکومت ظاهری کرده و مقام عصمت را بر امام واجب نمی‌دانند (اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۶۰۱). اینان معتقدند که آیه ابتلا (آیه ۱۲۴ بقره) صرفاً مربوط به عصمت انبیاست و ارتباطی با عصمت امام یا جعل امامت ندارد. به اعتقاد آن‌ها حتی اگر مراد از «عهد» در این آیه امامت باشد، باز هم به



عصمت انبیا اشاره دارد، و منظور این است که ظالمان به عهد نبوت نمی‌رسند و ادامهٔ رسالت انبیا نیز از ذریهٔ ایشان است (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۰۴).

ابن جوزی نیز هیچ جعلی از امامت را از این آیه برداشت نمی‌کند؛ اگر هم قرار آیه بر جعل و معرفی است منظور، جعل نبوت و امامت ابراهیم به عنوان «نبی خاص و معصوم بعد از طی کردن مسیر آزمایش‌های سخت الهی» است. اکثر مفسران اهل تسنن تفسیری سطحی و گذرا به این دسته از آیات داشته و با قبول ظاهر آیه از آن عبور کرده‌اند، به طوری که حتی برخی از ایشان مراد از «کلمه» و «امام» را در این آیه مشخص نکرده‌اند (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۰۸). ثعلبی نیز فقط به بیان ریشهٔ لغوی و معنای تحت‌اللفظی در این آیه اکتفا کرده است (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۶۹). از نظر فخر رازی، دلیل اصلی اهل سنت بر ترادف معنای امامت با نبوت، این است که امت اسلامی پس از رحلت پیامبر ﷺ، دیگر نیازمند امام و راهنما و هدایتگر نبودند و هرچه بوده و آمده با خاتمیت تمام شده است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۳۶) و ذکر لفظ امام در آیه به جای نبی، صرفاً از تکرار آن جلوگیری کرده است (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۶۲). اما دلایل اصلی اهل تسنن بر این که امامت را همان نبوت بدانند، از نظر فخر رازی سه دلیل است:

یک. واژهٔ «لِلنَّاس» در آیه به این معناست که ابراهیم امام برای تمام مردم است و فقط رسولی به این مقام می‌رسد که دارای شریعت جدا و مستقل از جانب خدا باشد، زیرا اگر شریعت جدا و مستقلاً از رسول قبلی نداشته باشد، باید تابع رسول دیگری بوده باشد که در این صورت، مأموم است و امام نیست. بنابراین مقام امامت دارای شریعت و مقامی مستقل بعد از مرتبهٔ رسولیت است، در حالی که با خاتمیت چنین چیزی امکان‌پذیر نیست (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۳۶).
دو. تعبیر جعل امامت می‌رساند که امامت ابراهیم در همهٔ زمینه‌هاست و تنها کسی است که صلاحیت نبی شدن را دارد، در حالی که این صلاحیت به هر کسی نمی‌رسد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۳۶).

سه. انبیا راهنمایان و پیشوایان مردم‌اند، پس اطاعت و پیروی از آن‌ها بر مردم واجب است. خلفا و فقها نیز امام‌اند و اطاعت از آن‌ها بر مردم واجب است، اما آنان در پایین‌ترین مرتبهٔ امامت قرار دارند و پیامبران در اعلی‌ترین مرتبهٔ آن‌اند. از سویی، خداوند زمانی مقام امامت را به ابراهیم اعطا کرد که در آزمون‌ها موفق شد. سپس بر حضرتش منت گذاشت و او را امام مردم قرار داد. پس مقامی بالاتر از مقام نبوت نیست و حمل لفظ امام بر نبوت واجب است (اندلسی، ۱۴۲۰،



ج ۱، ص ۶۰۳) و جز این‌ها معنای دیگری ندارد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۳۶). بنابراین از نظر اهل سنت، «امام» به معنای رهبری است که با نبوت هم پوشانی دارد و از آن جاکه امامت به ابراهیم به طور مستقیم و پس از نبوت اعطا شده است، پس این دو مرتبه با هم جمع می‌شوند. نبوت و امامت دو روی یک سکه‌اند و پیامبران در عین حال که پیامبری می‌کنند، امام نیز هستند و این مقام ربطی به امامت مورد نظر امامیه ندارد.

حال دیدگاه امامیه را ارزیابی می‌کنیم.

۳-۱. ارزیابی دیدگاه امامیه

تأکید بر نصب و عصمت امام از شرایط ضروری برای هدایت صحیح جامعه اسلامی است. استفاده از آیات قرآن و روایات نشان‌دهنده اهمیت ویژه‌ای است که امامیه به مسئله امامت به عنوان ادامه‌دهنده مقام نبوت می‌دهد. این دیدگاه ضمن حفظ وحدت و انسجام رهبری دینی، بر ضرورت هدایت الهی تأکید دارد که ممکن است در مواقع بحرانی مؤثرتر باشد. خداوند متعال بر اساس حکمت خود، ابتدا حضرت ابراهیم را که دارای مقام نبوت و رسولیت بود، با کلماتی آزمود و بعد از سرافرازی او از آزمون، مقام امامت را به وی اعطا کرد و ادامه این امامت را در ذریه صالح و معصومش قرار داد. اما در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، هم‌زمان با مقام پیامبری، مقام امامت را هم به ایشان مبذول داشته است. با توجه به عنوان خاتمیت بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله، مقام و موقعیت پیامبری نباید ادامه پیدا می‌کرد، ولی باید افرادی حضور می‌یافتند تا به صورت تمام و کمال و بری از هر نقص و زبانی، آیین اسلام را برای همیشه زنده نگه دارند و برای هدایت عموم به کار برند. باید توجه داشت که محور اصلی نزاع دیرپای فریقین در موضوع انتخابی یا عدم انتخابی بودن امامت، به میزان پابندی ایشان به مفهوم (امامت مطروحه قرآنی) در تفاسیر و تحلیل آیه‌های قرآن برمی‌گردد. به همین دلیل است که امامیه جعل امامت را مستقیماً از جانب خداوند می‌داند.

۴-۱. ارزیابی دیدگاه اهل سنت

علت تفسیر کلمه امام به نبی در تفاسیر اهل سنت، «کثرت استعمال آن به معانی گوناگون در طی زمان‌های مختلف بوده است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۷۱) و اصل «عدم ترادف بین الفاظ قرآن» اصلی مهم برای فهم تفاوت بین امام و نبی است (نجار، ۱۳۸۱، ص ۴۳). از طرفی، صحیح است که



اعتقاد به اجماع و مشورت در انتخاب و تعیین امام، نشان از انعطاف‌پذیری سیستم انتخابی با توجه به تغییرات مختلف اجتماعی و سیاسی و توسعه روحیه مشارکت و همبستگی امت و رفع اختلافات و اجماع در انتخاب امام واحد برای جامعه و تمایل به حفظ آزادی عمل و استقلال اجتماعی در جامعه اسلامی دارد (قرطبی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۶۴)، در چهارچوب نظریه اهل سنت، هیچ نص خاصی از خداوند برای تعیین امام ضروری نیست و نیازی هم به وجود امام بعد از رحلت پیامبر خاتم نیست و وظیفه انتخاب امام به مردم واگذار می‌شود (معتزلی، ۱۳۸۲، ص ۷۵). این رویکرد شاید انعطاف‌پذیری بیشتری را برای جوامع اهل سنت به همراه دارد، اما می‌تواند ابهاماتی در خصوص تأثیرات طولانی مدت آن بر انسجام دینی و سیاسی، خالی بودن زمان و امت از امامت معصوم و رهبری آن، امکان خطا در امامت شخص غیرمعصوم و دوگانگی در اداره جامعه، منافات انتخاب مردم با امامت مطروحه از نظر آیات قرآن از جمله آیات تطهیر، اولی الامر (حلی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۹۰) و بروز اختلاف و هرج و مرج در اداره جامعه اسلامی را به همراه داشته باشد.

۱-۵. ارزیابی و مقایسه دیدگاه فریقین

در حالی که اهل سنت بر «اجماع و مشورت به عنوان روش تعیین امام» تأکید دارند، امامیه بر «نصب الهی امامت» تأکید می‌کند. این دو رویکرد هر کدام مزایا و معایبی دارند که هر یک با چالش‌های خاصی روبه‌روست. در نظام اهل سنت، امکان تغییر و تنوع در انتخاب امام وجود دارد که ممکن است به توسعه دموکراتیک کمک کند، اما در عین حال می‌تواند موجب بروز اختلاف و تفرقه و انتخاب فردی غیراصلاح و غیرمعصوم و خطاکار باشد.

در مقابل، امامیه به دلیل اتکا بر «نص الهی و وجوب عصمت امام»، شاید از یکپارچگی دینی و سیاسی بیشتر برخوردار باشد، اما ممکن است در مواجهه با تغییرات اجتماعی و سیاسی انعطاف‌پذیری کمتری داشته باشد که امام وقت یا جانشینان بر حقش می‌توانند با «اجتهاد و تفاسیر درست قانون اسلام» نسبت به تغییرات ایجاد شده واکنش نشان دهند (خویی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۴۳۴) و تصمیم‌گیری‌های لازم را اتخاذ کنند.

۲. دلیل دوم امامت انتصابی: جعل امامت ابراهیم بعد از مقام نبوت ایشان با توجه به

آیه ۱۲۴ بقره

ابتدا دیدگاه امامیه بررسی می‌شود.



۲-۱. دیدگاه امامیه

نجارزادگان (۱۳۹۰) می‌گویند:

”پیامبری که به امامت رسیده، در رتبه خود از تفویض دین در احکام تشریعی و قدرت تصمیم‌گیری در حاکمیت جامعه برخوردار است و مردم موظف‌اند تابع او باشند و ناطاعتی از دستورات و احکام او به عنوان امام بر حق، حرام شرعی است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵)

در تبیین تفاوت میان مقام نبوت و امامت و در تأکید بر «هدایت مستقل امام» که کاملاً متمایز و مشخص از هدایت نبی است می‌گویند: «مقصود از هدایت در این نوع از آیات، هدایت خاص امام است که همان هدایت باطنی و ایصال به مطلوب بوده و با هدایت تشریعی پیامبران یکسان نیست». با توجه به آیه ۱۲۴ بقره، ابتلا و بیان مستقیم و آشکار خود آیه بر «جعل مقام امامت بعد از نبوت و تأکید حضرت ابراهیم بر ذریه خاص و شرط الهی بر ضرورت عصمت بر این ذریه» می‌تواند دلیلی بر جعل امامت خاصه ایشان باشد. این تفاوت در مقام و اثبات امامت خاصه، قابل انطباق خواهد بود بر نبوت و امامت حضرت محمد ﷺ و جانشینان ایشان به عنوان عاملان پویایی و استمرار خاتمیت.

۲-۲. دیدگاه اهل سنت

از نظر اکثر متکلمان اهل سنت، امام همان نبی است که در امور دینی به او اقتدا می‌شود و معنایی جز معنای یکسان با مفهوم پیامبری ندارد (سورآبادی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۱۹)، هرچند فخر رازی، متکلم اهل سنت، می‌گوید: «چرا خداوند در آیه ۱۲۴ بقره به جای نبوت، از امامت تعبیر کرد؟ یعنی اگر مقصود از امامت، نبوت بود باید می‌فرمود «انّی جاعلک نبیاً». معنای امام با رسول و نبی با توجه به اصل عدم مترادف الفاظ در قرآن تباین مفهومی پیدا می‌کند، یعنی «رسول حامل رسالت» و «نبی حامل خبر» و «امام مقتدا و پیشوای مستقل» است که بنابر همین آیه قرآن، از سوی خداوند جعل شده است» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۳۹). اما او نیز از پرده برداری از این تفاوت پرهیز کرده و همانند اکثر متکلمان اهل سنت، امامت را همان نبوت تفسیر می‌کند.

۲-۳. ارزیابی دیدگاه فریقین

علت مساوی بودن معنای امام و نبی از نظر مفسران اهل سنت همانند ارزیابی دلیل اول، بی‌توجهی



آنان به اصل «عدم ترادف واژه‌های قرآنی» (نک: نجار، ۱۳۸۱، ص ۴۳) و «کثرت استعمال کلمه امام به معانی گوناگونی مانند نبوت و خلافت و وصی» است. این در حالی است که امامیه برای تفسیر و اثبات عبارت «جعل امامت» به «اصل اصالت تعابیر قرآنی» استناد می‌کند (سقاب گندم‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۶). «شباهت هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی» بین دو عبارت «وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبَّهُ بِكَلِمَاتٍ» و «فَأْتَمَهَنَّ»، استعاره مفهومی جدیدی را پدید آورده که در واقع (کلمات)، حلقه وصل بین ابتلا و جعل امامت است و نمایانگر آن است که جعل در این آیه، از نوع «جعل تکوینی مستمر و مستقیم» بوده و در واقع، معرفی «اصل امامت بعد از مقام نبوت» و «اطاعت از اوست»، زیرا خداوند در آیه ۱۲۴ بقره می‌فرماید پس از پایان امتحانات ابراهیم، او را امام برای مردم قرار دادم و امامت او آغاز می‌شود. آیت الله سبحانی در مورد اطاعت از امام می‌گوید: «اطاعت از مقام امامت، مطابق و عین اطاعت از خدا بوده و اطاعت مستقل و جدایی وجود ندارد» (سبحانی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۲۴۱). انس و ارتباط دائمی و تبعیت و اطاعت فرد و جامعه از امامت، ضامن تحقق موهبت الهی و عامل برخورداری امت از لطف و فیض الهی در جهت هدایت انسان هاست (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۶۴). به همین دلیل است که در معنای «ربوبیت امام» می‌توان گفت: امامان معصوم همان ادامه دهندگان راه پیامبر و علت حفظ و گسترش آموزه‌های دینی بوده و «عاملی برای استمرار نبوت و پویایی خاتمیت» هستند.

۳. دلیل سوم امامت انتصابی: ارزیابی ارتباط واژه «ذریه» در آیات ۱۲۴ بقره و ۳۴ آل عمران

ابتدا به بررسی دیدگاه امامیه در آیات ۱۲۴ بقره و ۳۴ آل عمران در تحلیل واژه «ذریه» می‌پردازیم. طباطبایی می‌گوید:

«ابراهیم در سنین پیری دارای ذریه و فرزندان بود و درخواست ادامه امامت در ذریه‌اش را در سن پیری و بعد از نبوت مسئلت کرد و عاملی که باعث پایداری این وضعیت در ذریه می‌شد رابطه عصمت و ایمان در شخص بود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۲۶).

ارتباط این آیه با ذریه ابراهیم در آیه‌های ۳۳ و ۳۴ آل عمران،^۲ بیانگر ضرورت تداوم مقام نبوت

۲. ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ. ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ﴾؛ «خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد. آن‌ها فرزندان (و دودمانی) بودند که (از نظر پاکی و تقوا و فضیلت) بعضی از بعض دیگر گرفته شده بودند، و خداوند شنوا و داناست».



و امامت در «انساب معصوم» است. دیدگاه امامیه این است که امامت تنها در ذریه پیامبران و امامان معصوم ادامه دارد و این تداوم با عصمت و ایمان در نسل‌های بعدی پیوند می‌خورد. در این تفکر، آیات قرآنی مربوط به ذریه ابراهیم اختصاصاً به تعیین جانشینان معصوم و اشاره دارند. از نظر بخاری، امامیه بر اساس تفاسیر خود از «آل ابراهیم» و «ذریه»، نظریه شورا و اجماع امامت اهل تسنن را مردود دانسته است:

” آیه ۳۳ و ۳۴ آل عمران در ارتباط با آیه ۱۲۴ بقره نیز یکی از دلایل جعل الهی مقام نبوت و امامت است. طبق این آیه، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران، جانشینی خود را به صورت انتصابی عنوان کرده‌اند نه به صورت شورایی و انتخابی (بخاری، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۱۶۳).

طبرسی در بیان ارتباط «ذریه» در آیه ۱۲۴ بقره و «ذریه» در ۳۴ آل عمران، «آل محمد» را نه فقط از ذریه ابراهیم بلکه «عین» آل ابراهیم می‌داند و عصمت را شرط اساسی گزینش ایشان می‌شمارد (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۱). به همین دلیل است که معانی دو مفهوم «آل» و «ذریه» در این دو آیه از سوره آل عمران در هم تنیده شده و مترتب بر هم است. طبرسی قول ارجح در آل ابراهیم را مصداق اهل بیت پیامبر (ص) می‌داند که به عنوان افراد معصوم از سوی خداوند برگزیده شده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۷۴). او آل ابراهیم در آیه ۳۳ آل عمران را به دو صورت تفسیر می‌کند:

” اول: برگزیده شدن اولاد ابراهیم مانند اسماعیل، اسحاق، یعقوب، داود، سلیمان، یونس، زکریا، یحیی، عیسی، حضرت خاتم الانبیا و ائمه هدی. دوم: آل ابراهیمی که منحصرراً محدود به آل محمد و اهل بیت معصوم اویند. بنابراین کسانی از آل ابراهیم و آل عمران باید به عنوان پیامبر و امام برگزیده باشند که معصوم‌اند (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۰۴).

طباطبایی می‌گوید:

” با توجه به آیه ۵۴ نساء^۳ معلوم می‌شود که آل ابراهیم منحصر می‌شوند به

۳. «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» «بلکه انگیزه آنان حسدی است که نسبت به آنچه خدا از فضل خود به بعضی از بندگان داد، می‌ورزند و ما به آل ابراهیم نیز کتاب و حکمت و ملکی عظیم دادیم».



افرادی از ذریه و دودمان اسماعیل از انبیا و ائمه معصوم و نه بنی اسرائیل و دودمان و ذریه اسحاق و یعقوب. بندگان حق اثبات و نفی حکم چیزی را از خودشان ندارند و نمی‌توانند کسی را برگزیده و آن را در یک جایگاه مقدم کنند و دیگری را از آن مقام برکنار نمایند، بلکه حکم و اختیار مطلق در این موارد همه بر عهده خداست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۶۱-۲۶۳).

بنابراین از نظر امامیه، دلیل امامت انتصابی طبق آیه ۳۴ آل عمران، وابسته به سه علت است: اول، انتخاب و قدرت مطلق الهی در انتخاب نبی و امام بر اساس حکمت خداوند بین ذریه‌های مختلف است و امامان بر اساس اراده الهی و در راستای یک سلسله حق و هدایت بوده‌اند. دوم، تأکید بر نسبت و پیوند خانوادگی خاص که می‌تواند دلیلی باشد بر این‌که امامان باید از خاندان پیامبر و از ذریه‌ی او باشند. سوم، از آن‌جاکه امامان به عنوان جانشینان پیامبر ﷺ عمل می‌کنند، ضرورت وجود یک نظام انتخاب الهی در خصوص این مقام می‌تواند برای ادامه رسالت و هدایت جامعه اسلامی یک لطف و ضرورت باشد.

۳-۱. ارزیابی دیدگاه امامیه

اکثر متکلمان امامیه از جمله قرشی بنایی و مکارم شیرازی^۴، عقیده دارند که بر اساس آیه ۳۴ آل عمران، در میان نسل حضرت ابراهیم، مقام امامت و هدایت الهی به کسانی تعلق می‌گیرد که با انتصاب الهی برگزیده شده و معصوم‌اند. این برداشت با مفهوم «جعل» در آیه ۱۲۴ بقره که به نصب الهی حضرت ابراهیم به مقام امامت پس از آزمایش‌های سخت اشاره می‌کند، همخوانی دارد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۹۹). «اثبات انساب معصوم» با ارتباط و همبستگی مفاهیم «ذریه» و «جعل» بوده است و نشان می‌دهد که امامت با جعل الهی است و نه انتخاب مردم (قرشی بنایی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۶۲-۶۳). خداوند با برگزیدن عنوان پدر بر ابراهیم نبی و انتخاب حضرت محمد (ص) و نسل معصوم ایشان (و نه صحابه) به عنوان ادامه‌ای از نسل پاک حضرت ابراهیم، که شامل علی (ع) و فرزندان معصومش است، جایگاه و مسئولیت‌هایی را به ایشان داده بود. از الطاف خداوند به حضرت ابراهیم، افزایش ذریه صالح است که نهایتاً منتهی به نسل حضرت محمد (ص) بوده و عامل پیدایش دوازده امام معصوم «و نه ظالم» است (میرمصطفی، ۱۹۹۸، ص ۶۰). ائمه معصوم

۴. مکارم شیرازی آل ابراهیم را شامل خود ابراهیم و موسی و عیسی و پیامبر اکرم ﷺ می‌داند که برگزیدگانی از آل ابراهیم و آل عمران از ذریه ایشان است نه تمام نسل آن‌ها که اهل بیت پیامبر هم از آل ابراهیم است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۵۱۷-۵۲۱).



همانند انبیا، حافظان شریعت و دین اسلام و عامل پویایی خاتمیت‌اند که بنابه درخواست ابراهیم در آیه مذکور، باید از ذریه خود او و معصوم بوده باشند.

۲-۳. ارزیابی دیدگاه اهل سنت

از نگاه نظام الاعرج، تفاسیر اهل سنت در این زمینه بیشتر «به ادامه نسل‌های ابراهیم در مقام نبوت و نه امامت» توجه دارد، چراکه مقام امامت تنها از طریق انتخاب عمومی یا اجماع مسلمانان و بدون تأکید بر عصمت در نسل‌ها تعیین می‌شود. اهل تسنن «آل ابراهیم» و «ذریه» در آیات ۳۳ و ۳۴ آل عمران را مربوط به «پیامبرانی» می‌دانند که «در آفرینش برتر از دیگران» بوده و «تداوم یافته از نسب و خاندان آل ابراهیم» باشند و فضیلت پیامبری در ذریه آنان وجود داشته است (نظام الاعرج، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۴۹) «و نه کسی که جداگانه به امامت مجعول شده» باشد. طبرانی، متکلم اهل تسنن می‌گوید: «ذریه بر بدل نصب شد و گفته شد که نصب این بدل با تکرار همراه بود و فرزندان یکدیگر را با بیان شرط و با روند تکرارشان برگزید، یعنی به محض این‌که از یکدیگر بودند آن‌ها را به پیامبری انتخاب کرد» (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۲، ص ۴۰). اهل سنت صریحاً اقرار دارند که طبق آیه ۳۴ آل عمران، انتخاب پیامبران نه تنها به خواست و اراده خداوند بستگی دارد، بلکه ارتباط نزدیکی به نسل و ذریه‌ای که آن‌ها از آن ذریه برخاسته‌اند هم دارد. معنای کلمه «ذریه» به اهمیت نسل و پیوندهای خانوادگی بین پیامبران اشاره می‌کند که حاکی از آن است که خداوند سیستم و قاعده خاصی برای انتخاب و ابلاغ پیام خود به بشر دارد. در واقع، این آیه می‌تواند مقایسه‌ای بین پیامبران و روند نزول آن‌ها باشد و نشان دهد که هر یک از این پیامبران چه ارتباطی می‌تواند با یکدیگر داشته باشد، درحالی‌که هر یک، بخشی از یک سلسله الهی است.

۳-۳. ارزیابی دیدگاه فریقین

در ارزیابی این مطلب باید عنوان نمود که دیدگاه امامیه که بر «عصمت و استمرار نبوت و امامت در ذریه معصوم» تأکید دارد، از نظر تطابق با متن قرآن و روایت‌های تاریخی، به‌ویژه در راستای آیه ۱۲۴ بقره و ۳۴ آل عمران، منطقی به نظر می‌رسد. در مقابل، دیدگاه اهل سنت که دو آیه ۱۲۴ بقره و ۳۴ آل عمران را بی‌ارتباط با جعل و گزینش امامت تفسیر کرده، با بیانی سطحی و گذرا از آن، درصدد توجیه واقعیت است و علت آن این است که از نظر ایشان اعتبار امامت مساوی با اجماع و نیازمند انتخاب عمومی است که این امر در زمینه انسجام دینی و رهبری واحد در جوامع



مسلمان با چالش‌هایی روبه‌رو می‌شود. از این رو، به نظر می‌رسد که تفکر امامیه بر اساس عصمت و تداوم در نسل‌های معصوم، ثبات و انسجام بیشتری را در رهبری دینی و سیاسی فراهم می‌آورد.

۴. دلیل چهارم امامت انتصابی: آیه ۶۸ قصص

ابتدا نظر مفسران امامیه را در مورد آیه ۶۸ قصص بررسی می‌کنیم.

۴-۱. نظر مفسران امامیه در ارتباط با آیه ۶۸ قصص

بسیاری از متکلمان امامیه از جمله علامه مجلسی، عبارت «وَيَخْتَارُ» و «اختیار مطلق الهی» در آیه ۶۸ قصص^۵ را مربوط به «احکام و تشریعات در جعل نبوت و امامت خاصه» تفسیر می‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص ۶۷). طیب (۱۳۸۶، ص ۹۷) می‌گوید: طبق آیه ۶۸ قصص، «خداوند بر اساس علم خود، کسی را که توانایی و شایستگی بر نبوت و امامت را دارد جعل می‌کند و از تکلیفات و شرعیات در باب واجب و حرام دستور می‌دهد و حکم می‌کند که چه کتابی به چه نحوه نازل شود. بنابراین خداوند در خلقت خود و به اختیار مطلق خود جعل احکام و جعل نبی و رسول و امام می‌کند». شیخ طوسی (۱۴۰۹، ج ۸، ص ۱۷۰) در مورد کلمه «ما» در «ما كَانَ لَهُمُ الْخَيْرَةُ» دو وجه را ذکر کرده است: «صورت اول، «ما»ی نافیه باشد که در این صورت باید بر کلمه «وَيَخْتَارُ» وقف کرد و جدا معنا شود. پس اگر جمله مستقله باشد مردم شایستگی و قدرت اختیار و جعل نبی و امام و خلیفه را ندارند، چون شرایطی در آن‌ها هست که جز ذات حق به آن علم ندارد. پس با شورا و اجماع و ظلم نمی‌توان جعل خلیفه کرد، یعنی «پروردگار تو هر چه را بخواهد می‌آفریند و برمی‌گزیند و برای آن‌ها اختیاری نیست». صورت دوم، «ما»ی موصوله باشد. در این صورت، هر دو جمله به هم وصل است و معنا این می‌شود: «پروردگار تو هر چه را بخواهد می‌آفریند و هر آنچه را برای آنان خیر و مصلحت است برمی‌گزیند»، یعنی خداوند آنچه برای مردم خیر و صلاح باشد را اختیار می‌کند و مردم خیر و صلاح خود را نمی‌دانند که بتوانند جعل نبی یا کتاب یا امام یا خلیفه کنند. اگر دقت شود نتیجه هر دو صورت یکی است و گزینش نبی و امام و مصلحت‌اندیشی برای انسان در اختیار خداست نه مردم».

۵. «وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخَيْرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ»؛ «و خدای تو هر چه خواهد بیافریند و (هر کس را صلاح داند) برگزیند، دیگران را (در نظم عالم) هیچ اختیار و گزینشی نیست، ذات پاک الهی منزّه و برتر از آن است که به او شرک آورند».



قمی نیز انتخاب امام را به عهده خداوند دانسته است و حق انتخاب آن را از مردم سلب می‌کند (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۴۳)، چراکه مردم به دلیل محدودیت‌های عقلی خود، توانایی تشخیص صلاحیت‌های لازم در امامت‌شناسی را ندارند و این گزینش فقط باید از جانب خداوند باشد (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۵۶). در صحیفه سجادیه عبارت «اخْتَرْتَهُمْ» در دعای ۴۷ و در عبارت ۵۶: «رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطْيَبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ» دقیقاً بعد از ویژگی و صفت «عصمت» مطرح شده است و مرجع ضمیر «ه» در «اهل بیت» به «محمد» در پنجاه و چهارمین عبارت از همین دعا باز می‌گردد، یعنی «خاندان اهل بیت پیامبر» (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۳۷۲). به نظر می‌رسد این عبارت «نقش مهمی در تأیید بر انتخاب امام توسط امر خداوند» دارد و عبارت «اخترتہم لأمرک» عبارت «وَيَخْتَارُ» در آیه ۶۸ قصص را تکمیل کرده است. بنابر «حدیث نور» که در میان شیعه و حتی مفسران اهل سنت همچون احمد بن حنبل (احمد بن حنبل شیبانی، ۱۴۰۴، ص ۱۷۸-۱۷۹) آمده است، پیامبر چهار هزار سال پیش از آفرینش آدم، خود و حضرت علی را نوری در پیشگاه خداوند دانسته‌اند که بعد از خلقت حضرت آدم، آن نور به دو بخش تقسیم شد، بخشی خود حضرت محمد و بخشی حضرت علی که برخی از اهل سنت طبق این حدیث، نبوت را به حضرت محمد ﷺ و خلافت ایشان را به حضرت علی منسوب می‌کنند و اختیار الهی را در این آیه به انتصاب و جانشینی حضرت علی مربوط می‌دانند (ابن مغازلی، ۱۴۲۴، ص ۸۷-۸۹). در اعتقاد امامیه و طبق آیه ۶۸ قصص، خداوند نقش اصلی و بلامنازعی در تعیین و انتصاب امامت دارد، به این معنا که امامت منصب الهی است و خداوند از طریق وحی یا نصب پیامبر، امام را انتخاب می‌کند و کسی نمی‌تواند خود را امام معرفی کند یا مردم او را امام انتخاب کنند، مگر این که خداوند از طریق پیامبر یا به طور مستقیم، او را به این مقام منصوب کرده باشد. با این اوصاف، انتخاب مردمی در مورد امامت نفی می‌شود و امامت انتصابی، هدایت و رهبری جامعه اسلامی را تداوم می‌بخشد. خداوند به عنوان خالق و مدبر هستی، در انتخاب امام نقشی اساسی و تعیین‌کننده دارد و این مقام را به کسی واگذار می‌کند که از هر لحاظ شایستگی هدایت جامعه اسلامی را دارا باشد.

۲-۴. ارزیابی دیدگاه امامیه

از نظر اکثر متکلمان و مفسران امامیه از جمله علامه طباطبایی، تفسیر دقیق عبارت «مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ» آن است که «اگر خدای تعالی از انسان‌ها عمل و ترک عملی بخواهد، دیگر انسان‌ها در مورد



خواسته او اختیاری ندارند تا بتوانند برای خودشان اجماعی کنند، اگرچه مخالف آن چیزی باشد که خدا خواسته است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۹۸). پس «الْخَيْرَةُ» در آیه ۶۸ قصص نیز به حق انتخاب و گزینش تفسیر شده است. مراد این است که انسان در برابر حکم خدا، صاحب اختیار نیست و حق چانه زدن ندارد (خرم دل، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۸۲۹)، چه برسد به انتخاب و گزینش نبوت و امامت که گزینش آن‌ها به دلیل جوانب قدرت تام و حکمت و مصلحت اندیشی، مطلقاً در اختیار خداست نه مردم.

۳-۴. بیان دیدگاه مفسران اهل سنت

بسیاری از مفسران اهل سنت از جمله ابن عطیه معتقدند که این آیه به دلیل اختلافات مشرکان نازل شد و خداوند نهایتاً به آن‌ها پاسخ داد که از بندگان هر که را بخواهد برای رسالتش می‌آفریند و برمی‌گزیند و مصلحت آن را می‌داند و کسی بر اختیار خدای تعالی قدرت و توانی ندارد^۶ (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۲۹۵). «اختیار» و «خیر» منحصرأ در مورد اختیار تام الهی در مورد انتخاب نبی و انبیاست و نه انتخاب و جعل امامت جدای از نبوت.

در منابع اهل تسنن از جمله جامع البیان طبری همانند تفاسیر شیعی، چه کلمه «ما» در «ما کان» نافیه یا موصوله تلقی شود، به یک صورت قابل اثبات خواهد بود، یعنی در صورتی که (ما) نافیه باشد و بر کلمه «يُخْتَارُ» وقف شود، معنایش این است که مطلق اختیار به دست خداست و بندگان هیچ گونه اختیاری در هیچ امری ندارند و نبوت از جمله آن‌هاست. اما در صورتی که کلمه (ما) موصوله باشد، به معنای (ما)ی اثبات است و کلمه «يُخْتَارُ» بر سر آن می‌آید که در این صورت معنایش چنین می‌شود: خداوند آنچه را که خیر و مصلحت مردم در آن است را برمی‌گزیند و بدون شک وجود امر نبوت، به صلاح مردم و امت اسلامی است. بنابراین معنای هر دو صورت یکی خواهد بود (طبری، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۳۵۵).

تفاسیر اهل تسنن از واژه «خیر» به شرح زیر خواهد بود:

«خیر» در این جا به دو معنا آمده است: یعنی به دو معنای «بهترین» (ابن عربی، ۱۴۲۲، ج ۲،

ص ۱۲۶) و «اختیار» (ابن جزی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۱۸).

الف. تفسیر واژه «خیر» به «بهترین»: رسعنی معتقد است که «خیر» نامی است که جای مصدر را می‌گیرد و نیز نامی است برای برگزیدن محمد که بهترین خدا در خلقت اوست و «ما» مای

۶. «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا»؛ «و هیچ مرد و زن باایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و رسولش امری را مقرر کنند، از سوی خود امر دیگری را اختیار کند، و هر کس خدا و رسولش را نافرمانی کند، قطعاً گمراهی آشکاری کرده است» (احزاب/۳۶).



موصول است بر معنای «و آن را برمی‌گزیند» که در «آن بهترین است، زیرا به آن‌ها و مصالح آن‌ها دانای‌تر است». او می‌گوید: «محمد بهترین مخلوق خداست» (رسعی، ۱۴۲۹، ج ۵، ص ۵۶۲). «خیر» در این جا تعبیر شده است به شخصی که از نظر صلاحیت و شایستگی‌ها «اولی‌ترین و برترین» است.

ب. تفسیر واژه «خیر» به «اختیار»: از نظر ماتریدی (۱۴۲۶، ج ۸، ص ۱۹۰)، صحت این آیه در تفسیر به اختیار، به دو صورت امکان‌پذیر است: اول، «توقف در گفتار»، طبق خود آیه: «پروردگارت هر آنچه را بخواهد می‌آفریند» و توقف در قول «آنان در کار خود اختیاری ندارند». دوم، «توقف بر گزینش و اختیار»: «پروردگارت هر چه را که بخواهد می‌آفریند و بهترین‌ها را برمی‌گزیند». اکثر مفسران اهل تسنن از جمله ابن جزئی معتقدند که «مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ» مای نافی است تا ارتباط آن به «الخیره» را مشخص کند، به این منظور که بندگان قدرت اختیاری ندارند، بلکه اختیار و اراده تنها برای خداست (ابن جزئی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۱۸) یعنی تنها خداوند است که رسولان را برمی‌گزیند، حال آنکه «آن‌ها (مردم) این اختیار را نداشتند» (دره، ۱۴۳۰، ج ۷، ص ۱۰۰). می‌بینیم که «خیر» در این دسته از تفاسیر، به «اختیار و گزینش الهی در انتخاب شخص» برای رسیدن به «عنوان پیامبری» معنا شده است.

۴-۴. ارزیابی دیدگاه اهل سنت

طبق نظر مفسران اهل سنت، دلالت این آیه متمرکز بر دو امر است: اول، «اختیار تام خداوند» بر مصلحت‌گزینی شخص پیامبر. دوم، «اراده الهی» در انتخاب شخص (راستین و خیر) برای مقام پیامبری؛ که هر دوی آن مربوط به مشخصات انتصاب پیامبر است نه امام.

۴-۵. ارزیابی تطبیقی تفاسیر فریقین

امامیه طبق این آیه بر «رد نظریه شورای اهل تسنن»، استناد می‌کند؛ چرا که معتقد است مشورت در امری صحیح است که حکم قاطعی از سوی خدا و رسول درباره آن، نرسیده باشد و هیچ کس حق ندارد در مقابل حکم خداوند، از خود تصمیم و رأیی اتخاذ کند. امامیه با قرار دادن لفظ امامت در کنار نبوت، «خیر» را به معنای اختیار کردن و گزینش (هم پیامبر و هم امام) تفسیر می‌کند، در حالی که اهل تسنن خیر و اختیار را تنها مختص گزینش (نبی) توسط خداوند می‌دانند. توجه به



مقدمات مأخوذ از نظریات امامیه، امر (اختیار مطلق الهی در گزینش نبی و امام معصوم) به عنوان یک ادله نقلی، دلیلی بر انتصاب امامت در افراد خاص است.

با توجه به تفاسیر اهل سنت، ایشان با تفسیر ظاهری و منحصر و محدود کردن نقش اراده الهی در انتخاب نبوت، حق انتخاب امامت را به شورا و اجماع منحصر کرده و در تفسیر و تبیین واقعی آیه کم کاری کرده اند، در حالی که خود ایشان نیز طبق همین آیه، اقرار دارند که اصل شورا و اجماع در جایی که حکم خداوند آمده، منسوخ و باطل است (قطب، ۱۴۲۵، ج ۵، ص ۲۷۰۷) پس چگونه است در امر مهمی چون امامت که طبق آیات ۶۸ قصص و ۱۲۴ بقره، که باید با انتخاب صالح ترین شخص و با اختیار خود خداوند و از نسل معصوم بوده باشد، روی گردانیده و این اصل را اجرا نکرده اند و برای نپذیرفتن آن بهانه تراشی کرده و «رای به اجماعی می دهند که شخص مورد نظر نه معصوم است و نه از ذریه نبی و نه با گزینش الهی». توضیح آنکه، طبق تفاسیر اهل سنت از این آیه، اصل شورا در برابر حکم قطعی خداوند باطل است، این در حالی است که در مبحث انتصاب امامت در قرآن کریم، از جمله آیات ابتلا (۱۲۴ بقره) که صراحتاً به وجود امامت انتصابی اشاره شده است، از همان اصل خود (یعنی باطل بودن اصل شورا در برابر حکم قطعی خداوند)، امتناع جسته اند و در امر مهمی چون امامت، حکم قطعی خداوند را نادیده گرفته و اجماع را برگزیده و انتخاب امامت را جدای از مسیر نبوت تلقی کرده اند.

طبق تفاسیر امامیه از آیه ۶۸ قصص، با توجه به «قدرت و مالکیت مطلق الهی که هم به ملک تشریعی و هم به ملک تکوینی متعلق است»، انسان نسبت به «آنچه خداوند به امر و نهی تشریعی و به مشیت تکوینی از او بخواهد، هیچ قدرت و حریت و اراده ای ندارد». همین اصل امامیه، هم معنا خواهد بود با اصل «رد اجماع اهل تسنن در جایی که حکم و دستور خداوند در آن آمده است» و همین «نقطه مشترک در نظریه فریقین» طبق آیه ۶۸ قصص برابر خواهد بود با حق گزینش نبی و امامت با اراده خالص الهی که خداوند در رهنمون خلق، بهترین مردم را گزینش می کند (اعم از نبوت و امامت) و این گزینش بر اساس اخلاص و حنیف بودن است نه مکنث و ثروت. در واقع، اهل تسنن از این آیه، همان اصلی را استنباط می کنند که امامیه آن را اثبات کرده است، منتها با بیانی متفاوت؛ اهل سنت این قاعده را منحصر به «انتصاب نبوت» دانسته و امکان تعمیم این قاعده را بر «انتصاب امامت» مردود شمرده و حتی بنابر فرمایش



آیه قرآنی، در برابر آن شدیداً مقاومت می‌کند. به همین دلیل است که گفته می‌شود تفاسیر اهل تسنن از این آیه محدود و ظاهری بوده و نیازمند تفاسیر ارزنده‌تری است تا حداقل امکان در راستای تصدیق اصول و قواعد خود بوده باشد نه نقض کننده آنها. البته عده‌ای از مفسران اهل سنت با قبول اصل ذکر شده از این آیه، دیدگاه خود را در مورد انتخاب امام، کمی معقول‌تر کرده و برای تعیین انتخاب امام در کنار شورا و اجماع محض، «نص توسط نبی» را هم افزوده‌اند (حسینی میلانی، ۱۳۸۶، ص ۸۹) که واکنش‌های را از سوی مفسران اهل سنت به وجود آورده است.

۵. ارزیابی ارتباط جعل نبوت و امامت ابراهیم به نبوت و امامت حضرت محمد(ص)

بنابر دیدگاه امام خمینی:

” اگرچه نبوت در وجود ختمی مرتبت حضرت محمد(ص) پایان پذیرفته و ایشان به عنوان آخرین نبی برای هدایت بشریت نازل شدند، ولی امامت پس از او در وجود اوصیا و جانشینان او یعنی ائمه تداوم یافته است. پس همان‌گونه که امامت از وجوه نبوت حضرت ابراهیم بوده و آن را تکمیل کرده، امامت ائمه دوازده‌گانه عامل تکامل پیامبری حضرت محمد بوده و فقط با وجود ایشان است که احکام دین و اجرای آن‌ها استمرار می‌یابد (خمینی، ۱۳۹۴، ص ۲۶-۲۷).

حتی فخر رازی معتقد است:

” خداوند به پیامبر نسلی (و نه صحابه) عطا فرمود که در طول زمان باقی می‌ماند و در تفسیر سوره کوثر عطیه‌های فراوان الهی در دنیا و آخرت را از نمودها و مصادیق کوثر و خیر کثیر بیان می‌کند و از جمله آن‌ها نسل فراوان پیامبر را برمی‌شمارد که در طول تاریخ، تعداد بسیاری از اهل بیت کشته شده‌اند، اما سپس عالم مملو از آن‌ها شده، درحالی‌که در دنیا نسلی از بنی امیه نمانده است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۲، ص ۳۱۳).

همچنین فخر رازی به وجود علمای بزرگ در اهل بیت پیامبر همچون «امام باقر و امام صادق و



امام کاظم و امام رضا علیهما السلام اشاره کرده و از آنها به عنوان اکابر علما یاد می‌کند و قید «علیه السلام» را بر آنها می‌افزاید» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۲، ص ۳۱۳). امامیه با استدلال بر تک تک مفاهیم این آیات نتیجه می‌گیرد که اتخاذ جعل امامت منوط است به ذریه نبی و عصمت امام (آیات ۱۲۴ بقره و ۳۳ و ۳۴ آل عمران) و با گزینش مطلق الهی در انتخاب رهبر (آیه ۶۸ قصص) انجام می‌گیرد.

با توجه به مسئله «خاتمیت و نبوت»، جامعه امروزی نیازمند تبیین و تفسیر وحی و مرجعیت دینی و هدایت دنیوی و اخروی است که تمامی این موارد تنها با «جعل امام معصوم» ممکن خواهد بود. باید توجه داشت که نوع اعطای مقام نبوت و امامت به ابراهیم علیه السلام، با اعطای مقام نبوت و امامت به پیامبر اکرم (ص)، با توجه به موقعیت زمانی و نیازهای زمانی گوناگون، متفاوت بوده است. اگرچه امامت به عنوان «آخرین مرحله از سیر تکاملی» نبوت حضرت ابراهیم بوده اما پیامبری از جهت خاتمیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، دیگر نباید ادامه پیدا می‌کرد، ولی افرادی معصوم باید حضور می‌داشتند تا به صورت تمام و کمال و به دور از هر نقصی و با توجه به شرایط زمانه، آیین اسلام را برای همیشه زنده نگه داشته و جامعه را برای هدایت سیاسی و ولایی رهبری کنند. بنابراین از جهت امامت، محدودیتی بر ادامه وجود نداشت و امامت به عنوان «عامل استمرار تعالیم خاتمیت» باید از «ذریه معصوم خود پیامبر صلی الله علیه و آله» (طبق قراین آیات ۱۲۴ بقره و ۳۴ آل عمران) و لزوماً باید با گزینش «بهترین‌ها»، انتخاب می‌شد (طبق آیه ۶۸ قصص) تا در عین عصمت (طبق آیه ۱۲۴ بقره)، حافظ و هادی آخرین دین الهی باشد. کلینی می‌گوید:

” امامت به عنوان آخرین سیر تکاملی پیامبری محمد بود، همان‌گونه که آخرین سیر تکاملی ابراهیم هم امامت بود و بعد از مقام‌های بندگی و پیامبری و رسولی و خلیلی توسط خداوند به ایشان رسید (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۷۵).

«امامت عامل استمرار تبیین آموزه‌های نبوت» و «امامت عامل پویایی خاتمیت» و «ضرورت استمرار نبوت و امامت در انساب معصوم»، استدلال‌هایی عقلانی خواهند بود بر «جعل مستقیم امامت از جانب خداوند». بنابراین جعل ذکرشده در آیه ۱۲۴ بقره «جعل انتصابی» خواهد بود نه جعل انتخابی. رویکرد و تفسیر امامیه در توضیح اصل خاتمیت، تنها رهیافتی است که آن را توجیه می‌کند و موجب تداوم فلسفه رسالت و ولایت الهی است.



توجه به مجموعه قراین موجود در آیات ۱۲۴ بقره و ۳۴ آل عمران و ۶۸ قصص و شفاف سازی رابطه جعل و ذریه معصوم و نقش اختیار الهی، آثار علمی و عملی مثبتی در جهت باورهای عقیدتی و امامت پذیری و ولایت باوری خواهد داشت. این مقاله مصداقی است بر «ارتباط قراین سه آیه فوق در اثبات امامت انتصابی» و بازخوانی چگونگی اعتقاد بر امامت ائمه معصوم که جزء اصول اعتقادی امامیه است و می تواند واسطه ای برای تبیین آموزه های دینی و شناخت قراین قرآنی در جهت امامت شناسی و در نتیجه، حفظ وحدت جامعه اسلامی در سایه باور به وجود امام منصوب و معصوم باشد.

در کتب تورات و انجیل نیز به نبوت حضرت محمد (ص) و ائمه دوازده گانه اشاره شده^۷ و همین امر عده زیادی از مسیحیان و یهودیان را به دین اسلام علاقه مند کرده است (توفیقی، ۱۳۶۱، ص ۲۷۷). این امر نشان می دهد که بزرگان یهودی و مسیحی با وجود آگاهی به واقعیت اثبات امامت و ادله روشن آن، نه تنها آن را انکار می کنند، بلکه از رشد و آگاهی دیگران نیز واهمه دارند و از آن جلوگیری کرده اند (توماس، ۱۳۷۷، ص ۵۳) و سعی دارند تا آموزه های دین را از سیاست جدا کنند. (Jaroslav, 1987, P. 38) مثلاً آیه ای از سفر پیدایش (۲۰/۱۷) از کتاب اول تورات، که بسیاری از متکلمان غربی از آن به مبشر امت و امامان اسلامی در «ذریه حضرت اسماعیل و محمد ﷺ» تعبیر کرده اند، نقش مهمی در اسلام آوردن و شیعه شدن آن ها داشته است.^۸

توماس مک الیون، کشیش آمریکایی که بعداً شیعه شد، ریشه ها و آثار امامت را در کتاب مقدس ارزیابی کرده و مشخصه های امامت همچون اصرار و اقرار ایشان بر توحید، علم خاص و ارتباطشان با عالم غیب و تعدادشان به عدد دوازده و همچنین غیبت امام آخر و مقام عهد و پیمان به عنوان امامت را بررسی نموده است (McElwain, 2007, p. 119). برخی از محققان دانشگاهی غیراسلامی و غربی نیز میان «ائمه و عهد الهی و جایگاه ویژه این دوازده امام»، ارتباط خاصی قائل شده اند (Mcknight, 2016, p 215). طبق تحقیقات صورت گرفته حتی در خود کتاب تورات، این دوازده نفر از نسل اسماعیل را به عنوان «پسران با واسطه او» معرفی کرده و قید «واسطه داشتن» در این امر بین پدر و پسران آمده است (تقوی و همکاران، ۱۳۹۳). برخی از

۷. خداوند در تورات در بین بنی اسرائیل دو بار و در دو موقعیت زمانی متفاوت دوازده امام مشخص کرده است، اولی دوازده نفر از انبیا که در تورات نام آن ها آمده است و دیگر بار، دوازده امام شیعه، یعنی از نسل پیامبر یعنی امام علی و یازده فرزندش: «اما در مورد اسماعیل نیز تقاضای تورا اجابت نمودم و او را برکت داده و از نسل او محمد و ۱۲ امام از میان آن ها پدید آورم و از او قوم بزرگی به وجود خواهم آورد» (پیدایش، ۲۰/۱۷).

۸. برای اطلاعات بیشتر نک: Jonothan Culver, (2008), The Ishmael Promise and Contextualization Among Muslims



متکلمان اهل تسنن از جمله ابن کثیر نیز همین آیه بشارت تورات را (۲۰/۱۷) وعده‌ای برای آمدن دوازده خلیفه پس از پیامبر (ص) می‌دانند و حضرت مهدی را یکی از آن‌ها معرفی می‌کنند، هرچند بسیاری از روایات اهل تسنن این سخن را ضعیف دانسته و آن را غیرمؤثق معرفی کرده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ص ۶۷-۶۸) و دیگر علمای اهل تسنن بدون این‌که به واقعیت این‌گونه روایات اهتمام ورزند و یا مثال نقضی بر مصداق دوازده امام در این آیه بیابند، از آن عبور می‌کنند. مثلاً ابن تیمیه در مورد آیات مربوط به بشارت و وعده، به انتصاب امامان در این نوع از آیات کتاب مقدس، به «غلط کثیر» تفسیر می‌کند (نک: ابن کثیر، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۲۵۰)، درحالی‌که خود او اقرار می‌کند که همین آیه علت اسلام آوردن و شیعه شدن بسیاری از یهودیان بوده است (ابن کثیر، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۲۵۰) که امروزه زوایای این شبهات و بررسی میزان صحت و وثاقت این دسته از روایات اهل تسنن نیازمند تحقیقات بسیاری است.

نتیجه‌گیری

در تبیین و تفسیر مفهوم و مصادیق آیات ۱۲۴ بقره و ۳۴ آل عمران و ۶۸ قصص میان متکلمان امامیه و اهل سنت اختلاف است. در نگاه امامیه، رابطه معنادار بین سه واژه «جعل»، «ذریه» و «اختیار تام خداوند» در سه آیه نام‌برده با مسئله خاتمیت در نبوت پیامبر اسلام وجود دارد که نشان از پابندی ایشان به شواهد و قرائن قرآنی در استنباط اصل امامت دارد. هرچند در آیات ۱۲۴ بقره صریحاً به وجود امام اشاره شده است، اما عدم اشاره مستقیم به امامت در آیات ۳۴ آل عمران و ۶۸ قصص، اهل تسنن را بر آن داشته است تا این نوع از آیات را فقط به ویژگی‌های انتخاب نبوت توسط خداوند منحصر بدانند و تفاسیر شیعه را در این آیات مردود بدانند. طبق نظر امامیه، بین آیات ذکرشده در این مقاله، رابطه معنوی وجود دارد و این سه آیه در اثبات امامت انتصابی مکمل یکدیگرند. ارتباط و پیوستگی «عصمت و نص» با «ذریه و جعل مستقیم نبوت و امامت» در جهت هدایت الهی، عامل تداوم خاتمیت در فلسفه رسالت است. پیشنهاد می‌شود منابع جدید اهل تسنن در رابطه با «تفاوت معنای امامت و نبوت و ارتباط آن با خاتمیت و هدایت الهی در آیات» در تحقیقات آتی، بیشتر بررسی شود و توضیحات آشکارتری از تفاسیر اهل سنت صورت پذیرد، چراکه از این آیات حکم الهی استنباط شده و نقش مؤثری در آموزه‌های دینی و امامت‌شناسی راستین دارند.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۱. ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف. (۱۴۲۰ق). **البحر المحيط فی التفسیر**، (تحقیق صدقی محمد جمیل). بیروت: دار الفکر.
۲. احمد بن حنبل شیبانی. (۱۴۰۴ق). **مناقب علی**. قاهره: دار المعارف.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۵ق). **کمال الدین و تمام النعمة**، (تصحیح علی اکبر غفاری). تهران: اسلامیه.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۴ق)، **الاعتقادات**. قم: کنگره شیخ مفید.
۵. ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم. (۱۴۰۸ق). **منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة و القدیة**. قاهره: المطبعة الأميریه.
۶. ابن جزی، محمد بن احمد. (۱۴۱۶ق). **التسهيل لعلوم التنزیل**. بیروت: دار الأرقم بن أبی الأرقم.
۷. ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی. (۱۴۲۲ق). **زاد المسیر فی علم التفسیر**. بیروت: دار الكتاب العربی.
۸. ابن مغازی، علی بن محمد. (۱۴۲۴ق). **مناقب امام علی بن ابی طالب**. بیروت. نشر دار الأضواء.
۹. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۷ق). **البداية و النهایة**، (تحقیق عبدالله بن عبد المحسن ترکی). مصر: نشر هجر.
۱۰. ابن عربی، محی الدین. (۱۴۲۲ق). **تفسیر ابن عربی (تأویلات عبد الرزاق)**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۱. ابن عطیه، عبد الحق بن غالب. (۱۴۲۲ق). **المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز**. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۲. استادی، کاظم. (۱۴۰۲ش). «بررسی تاریخی استدلال به آیه ابتلاى ابراهیم در منابع کلامی و امامتی کهن شیعی برای مسأله امامت». **کلام تطبیقی شیعه**، ۴ (۶). ص ۲۶۵ - ۲۹۲. <https://doi.org/10.22054/jcst.2023.74546.1123>
۱۳. بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ق). **تفسیر البغوی**، (تحقیق: مهدی عبد الرزاق). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۴. بحرانی، ابن میثم. (۱۳۷۴ش). **قواعد المرام فی علم الکلام**. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۵. بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۱۰ق). **صحیح بخاری**. قاهره: وزارة الاوقاف.
۱۶. بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). **تفسیر البیضاوی (أنوار التنزیل و أسرار التأویل)**. (تحقیق: محمد عبد الرحمن مرعشی). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۷. تقوی، هادی؛ قندهاری، محمد؛ فیض بخش، محسن. (۱۳۹۳ش). «دوازده امام در تورات: نگاهی نو به بشارت ابراهیم در سفر پیدایش». **امامت پژوهی**، ۳ (۱۲)، ص ۱۷-۵۵.
۱۸. توفیقی، حسین. (۱۳۶۱ش). **انجیل برنابا**. قم: مؤسسه در راه حق.
۱۹. توماس، میشل. (۱۳۷۷ش). **کلام مسیحی**، (ترجمه حسین توفیقی). قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.



۲۰. ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق). **الكشف البیان عن تفسیر القرآن**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۲۱. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶ش). **تسنیم**. قم: اسراء.

۲۲. حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی) (۱۳۷۳ش). **المسلك فی اصول الدین**. (تحقیق رضا استادی)، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

۲۳. حسینی میلانی، سیدعلی. (۱۳۸۶ش). **خلافت ابوبکر در ترازوی نقد**. قم: مرکز حقایق اسلامی.

۲۴. خرم‌دل، مصطفی. (۱۳۸۴ش). **تفسیر نور**. قم: نشر اسوه.

۲۵. خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۹۴ش). **ولایت فقیه**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

۲۶. خوش‌منش، ابوالفضل. (۱۳۹۳ش). «امامت امام رضا(ع)، امتدادی بارز برای امامت حضرت ابراهیم(ع)». **فرهنگ رضوی**، ۲(۵). ص ۱۱۱-۱۳۹. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23452560.13>

93.2.5.5.6

۲۷. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۲۲ق). **مصابح الأصول**. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخویی.

۲۸. دره، محمد علی طه. (۱۴۳۰ق). **تفسیر القرآن الکریم و إعرابه و بیانه**. بیروت: دار ابن کثیر.

۲۹. دهقان، اکبر. (۱۳۷۸ش). **نسیم رحمت، تفسیر قرآن کریم**. قم: اسماعیلیان.

۳۰. رسعی، عبدالرزاق بن رزق‌الله. (۱۴۲۹ق). **رموز الكنوز فی تفسیر الکتاب العزیز**. مکه المکرمه: مکتبه الأسدی.

۳۱. سقاب گندم‌آبادی، محبوبه؛ سیدی، سید حسین؛ عنایتی راد، محمدجواد. (۱۳۹۶ش). «بررسی معناشناختی «جعل امامت» (با تکیه بر اصل اصالت تعبیرهای قرآنی)». **آموزه‌های قرآنی**، ۱۴(۲۶)، ص ۲۰۵-۲۳۴.

۳۲. سبحانی، جعفر. (۱۳۶۲ش). **خدا و امامت**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۳۳. سوراآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد. (۱۳۸۰ش). **تفسیر سوراآبادی**. تهران: فرهنگ نشر نو.

۳۴. طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴ش). **تفسیر المیزان**. (ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۳۵. طبرانی، سلیمان بن احمد. (۲۰۰۸م). **التفسیر الکبیر**. اربد: دار الکتاب الثقافی.

۳۶. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۷ش). **ترجمه تفسیر جوامع الجامع**. (ترجمه احمد امیری شادمهری). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

۳۷. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). **جامع البیان لعلوم القرآن**. تهران: ناصر خسرو.

۳۸. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). **التبیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: مکتب الإعلام الإسلامی.

۳۹. طیب، سید عبدالحسین. (۱۳۸۶ش). **اطیب البیان فی تفسیر القرآن**. قم: نشر سبطين.

۴۰. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). **مفاتیح الغیب**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۴۱. فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۱۵ق). **تفسیر الصافی**. (تحقیق حسین اعلمی). تهران: انتشارات الصدر.

۴۲. قرشی بنایی، علی اکبر. (۱۳۷۵ش). **تفسیر احسن الحدیث**. تهران: بنیاد بعثت.

۴۳. قرطبی، محمد بن احمد. (۱۴۱۷ق). **الجامع الامام القرآن** (تفسیر القرطبی). قاهره: دار الشعب.



۴۴. قطب، سید. (۱۴۲۵ق). *فی ظلال القرآن*. بیروت: دار الشروق.
۴۵. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳ش). *تفسیر القمی*، (تحقیق طیب موسوی جزایری). قم: دار الکتاب.
۴۶. کردنژاد، نسرین؛ شریعت ناصری، زهره؛ مفتاح، محمد هادی. (۱۳۹۵ش). «تفسیر تطبیقی و تحلیلی آیه امامت در تفاسیر فریقین». *مطالعات تفسیری*، ۷(۲۵). ص ۷-۲۴. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22287256.1395.7.25.2.6>
۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۵ش). *الکافی*، (کتاب الحجة، باب نادر فضل الامام). قم: نشر اسوه.
۴۸. ماتریدی، محمد بن محمد. (۱۴۲۶ق). *تأویلات أهل السنة* (تفسیر الماتریدی). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴۹. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). *زاد المعاد*. بیروت: مؤسسة الأعلمی.
۵۰. مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد. (۱۴۰۹ق). *ریاض السالکین فی شرح صحیفه سیدالساجدین*، (مصحح: محسن حسینی امینی). قم: نشر اسلامی.
۵۱. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱ش). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۵۲. مصطفوی، حسن. (۱۳۸۰ش). *تفسیر روشن*. تهران: مرکز نشر کتاب.
۵۳. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۵ش). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
۵۴. معتزلی، قاضی عبدالجبار. (۱۳۸۲ق). *المغنی*. قاهره: المؤسسة المصرية العامة.
۵۵. میرمصطفی، تامر. (۱۹۹۸م). *بشائر الاسفار بمحمد و آله الاطهار*. بیروت، مرکز الغدير للدراسات الاسلامیه.
۵۶. نجار، علی. (۱۳۸۱ش). *اصول و مبانی ترجمه قرآن*. قم: نشر کتاب مبین.
۵۷. نجارزادگان، فتح الله. (۱۳۹۰ش). «بررسی معناشناسی واژه امام در آیه امامت حضرت ابراهیم». *کتاب قیم*، ۲(۲)، ص ۷-۳۰.
۵۸. نظام الاعرج، حسن بن محمد. (۱۴۱۶ق). *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*. بغداد: دار الکتب العلمیه.
۵۹. نوبری، علی رضا. (۱۳۹۰ش). «تأملی بر مقاله تأملی در نظریه علامه طباطبایی در مفهوم امامت در آیه ابتلا». *معرفت کلامی*، ۲(۳)، ص ۴۷-۶۶.
60. Culver, J. (2008). The Ishmael Promise and Contextualization among Muslims. *International Journal of Frontier Missions*. Unitsd States. *International Journal of Frontire Missions* (IJFM). Vol. 25(4). 179-186.
61. Jaroslov, P. (1987). Christianity in Western Europe. In: *Encyclopedia of Religion, New York*: Macmillan Publishing Company.
62. McElwain, T. (2007). *Islam in the Bible*. New York: Masjid Darul Quran.
63. McKnight, S. (2016). *Jesus and the Twelve*. Unitsd States: Penn State Univercity Press. Vol. 26(3). 371- 395